

دریافت شیخ مفید از مفهوم تقلینی امامت و باز خورد آن در تعریف امامت او

علی روشن*

چکیده

شیخ مفید از جمله عالمان پرکار در حوزه امامت است. وی در ابتدای دوران غیبت کبری می‌زیسته است؛ زمانی که بسیاری از گنجینه‌های روایی شیعه در دسترس بوده است. از این رو متوقع است که او ضمن داشتن دریافتی نظام‌مند از مفهوم تقلینی امامت، در پژوهش‌های امامتی خود، از جمله تعریف امامت، از آن ادراک تقلینی استمداد طلبد و نتایج آن را در نگاشته‌هایش انعکاس دهد. این خواسته، از جانب او پاسخ مثبت یافته است. با الگوگرفتن از نظریه «افتراض الطاعه» به عنوان نظریه‌ای پرشاهد و متقن در تبیین مفهوم تقلینی امامت، و جستجو از اجزای هفت‌گانه آن در آثار شیخ مفید، روشن می‌شود که وی به مفهوم تقلینی امامت -افتراض طاعت- و سایر پارامترهای اساسی مرتبط به آن، التفات داشته است. شیخ مفید هر چند در تعریف اصطلاحی امامت، از آن مفاهیم سود برده است، اما ادبیات او با واژگان و حیاتی فاصله دارد.

کلیدواژه‌ها: مفهوم امامت، افتراض طاعت، شیخ مفید، تعریف امامت.

مقدمه

واژه امامت، مفهومی خاص در بیان اولیای دین دارد که آگاهی از آن، جستجوهای قرآنی و روایی می‌طلبد. واکاوی مفهوم ثقلینی امامت، امری است که از عالمان امامت‌پژوه، انتظار توجه به آن می‌رود. شیخ مفید از جمله دانشورانی است که در مسائل گوناگون امامت، از جمله مفهوم‌شناسی آن، تحقیقات ارزنده‌ای بر جای نهاده است. به حسب استقرای نویسنده، هرچند تاکنون از مفهوم دینی امامت و سایر پارامترهای مربوط به آن در آثار شیخ مفید، تحقیقی صورت نگرفته، اما از آن‌جا که وی در ابتدای دوران غیبت کبری و زمانی می‌زیسته که بسیاری از روایات شیعی در دسترس بوده‌اند، چنین متوقع است که وی ادراکی کامل از مفهوم ثقلینی امامت داشته و در آثار کلامی خود بدان اشاره کرده باشد و مهم‌تر آن‌که در سایر موضوعات و پژوهش‌های امامتی، از آن سود برده باشد. نمود بارز چنین چشم‌داشتی، در تعریف شیخ مفید از امامت است. نوشته پیش رو در پی آن است تا ابتدا از مفهوم ثقلینی امامت در آثار شیخ مفید جستجو کرده و سپس با تحلیل اجزای تعریف اصطلاحی وی از امامت، چگونگی به‌کارگیری مفهوم ثقلینی امامت در آن تعریف را بررسی و ارزیابی کند.

به عقیده نگارنده یکی از متقن‌ترین و پرشاهدترین نظریه‌ها در ارتباط با مفهوم امامت در روایات، نظریه «افتراض الطاعه» است.^۱ بر اساس مطالعات نگارنده،^۲ این نظریه از هفت پاره انسجام یافته که شرح مختصر آن -در حدی که به روشن شدن منطق این نگاه‌شسته کمک کند- چنین است:

۱. یکسانی مفهوم امامت و مقام افتراض طاعت: در آیات و روایات، مفهوم واژه امامت، مساوی با مقام افتراض طاعت است. روایات فراوانی که در آنها امامت و افتراض طاعت، قرین یکدیگر آمده‌اند، در این مطلب ظهور دارد.^۳ هم‌چنین روایات^۴ ذیل آیه ملک عظیم،^۵ از مهم‌ترین مستندات این‌همانی میان امامت و افتراض طاعت‌اند.^۶

۱. ر.ک: سبحانی، جعفر، منشور جاوید، ۲۴۹/۵-۲۵۹.

۲. نگارنده بنا دارد در مقاله‌ای، نظریه «افتراض الطاعه» را تفصیلاً بررسی کند.

۳. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ۲/ ۵۸۴؛ مفید، محمد بن محمد، محمد، امالی، ص ۳۴۹.

۴. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ص ۳۵-۳۶؛ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/ ۱۸۶.

۵. نساء: ۵۴.

۶. برای مطالعه بیشتر ر.ک: نجارزادگان، فتح‌الله، بررسی تطبیقی معنائشناسی امام و مقام امامت از دیدگاه



۲. اختصاص مقام افتراض طاعت به امام: بر اساس روایات، مقام افتراض طاعت مختص امام است^۱ و سایر حجج الهی که امام نیستند، از این مقام بی بهره‌اند.

۳. معنای افتراض طاعت: از بررسی آیات و روایات، به‌ویژه روایات باب تفویض^۲، این نتیجه به دست می‌آید که خداوند به امام، اجازه اظهارنظر شخصی را داده است. بدین معنا که به او اذن داده در صورت نیاز، به صورت مستقل، اظهارنظر کند.^۳ بر این اساس، دستورات امام اطلاق دارد و محدود به وحی مستقیم نیست. این نوع اطاعت به گونه‌ای است که در فرایند آن، شخص مفترض الطاعة موضوعیت دارد. از این رو افتراض طاعت، به معنای وجوب اطاعت مطلق از امام است.

۴. گستره افتراض طاعت: بر اساس روایات تفویض، اظهارنظرهای امام محدودهای دارد. بر این اساس، خداوند اظهارنظر در برخی^۴ امور را، به امام تفویض کرده است. تفویض به امام، وجوه و معانی مختلفی دارد که برخی صحیح و برخی باطل‌اند.^۵ یکی از دقیق‌ترین تقسیم‌بندی‌ها در این باره را علامه مجلسی سامان داده است. وی، بر اساس روایات، پنج وجه صحیح و دو وجه باطل برای تفویض بیان کرده است؛ وجوه باطل تفویض عبارت‌اند از:

مفسرین فریقین، ص ۱۶۱-۱۶۷؛ همو، «بررسی معناشناسی واژه امام در آیه امامت حضرت ابراهیم»، کتاب قیام، ۲/ ۹-۲۰؛ فرجپور، علیرضا، «بررسی مفهوم امامت در خطابه غدیر»، امامت‌پژوهی، ۳/ ۱۴۹؛ منطری، محمد، «امامت از دیدگاه اندیشمندان مدرسه کوفه»، امامت‌پژوهی، ۱۰/ ۱۲۵-۱۲۷.

۱. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات*، ص ۵۰۹؛ کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی*، ۱/ ۱۷۵، ح ۲ و ۴.
 ۲. روایات تفویض به نظر مجلسی اول (*روضه المتقین*، ۲/ ۲۰) و بعضی دیگر از محدثان برجسته، صحیح و متواترند (برای آگاهی از این افراد ر.ک: سبحانی، محمدتقی و علیزاده نجار، مرتضی، «امام، مصدر تشریح»، تحقیقات کلامی، ۱۱/ ۲۳-۲۴).

۳. علامه مجلسی نه تنها اظهار نظر امام در پاره‌ای امور مثل تشریح برخی احکام را پذیرفته که بسیاری از محدثین از جمله کلینی و صدوق را نیز هم‌نظر با خود دانسته است (*مرآة العقول*، ۳/ ۱۴۵).
 ۴. دلیل این که بیان‌های شخصی امام محدود به برخی موارد شده این است که اولاً بسیاری از امور دینی از سوی خداوند بیان شده و قابل تغییر نیست؛ ثانیاً در این نگاشته، معنایی عام از امام مد نظر است و مراد از آن، تنها ائمه اهل بیت علیهم‌السلام نمی‌باشد. دایره اظهارنظر امامان نیز با یکدیگر متفاوت است و سعه و ضیق دارد؛ چنان که در برخی روایات بیان شده، خداوند به رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بیشتر از حضرت سلیمان عطا کرده است (کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی*، ۱/ ۲۶۸).

۵. برای آگاهی از وجوه تفویض و معنای صحیح و باطل آن ر.ک: مجلسی، محمدباقر، *مرآة العقول*، ۳/ ۱۴۲؛ وحید بهبهانی، محمدباقر، *مقدمه منهج المقال*، ۱/ ۱۳۰-۱۳۲؛ شبر، عبدالله، *مصباح الانوار*، ۱/ ۳۶۹.

- تفویض در خلق، رزق، تربیت، میراندن و زنده کردن.
- تفویض امر دین، به این معنا که ائمه علیهم السلام خارج از حیطة وحی و الهام، دست به تحریم و تحلیل زنند.
- وجوه صحیح عبارت‌اند از:
- تفویض امر دین بر مبنای اکمال و تأدیب الهی.
- تفویض امور خلق به ایشان، اعم از سیاست و تأدیب و تکمیل و تعلیم.
- تفویض بیان علوم و احکام، آن گونه که به مقتضای فهم مردم و شرایط تقیه، مصلحت بدانند.
- اختیار در این که بر اساس ظاهر حکم کنند یا بر اساس علم و الهام الهی.
- تفویض در عطا و منح.^۱

در مجموع می‌توان گستره تفویض را، در دو حیطة احکام دین و امور مردم دانست.

۵. پشتوانه الهی افتراض طاعت: اظهارنظرهای شخصی امام، به دلخواه و مانند اظهارات دیگر افراد نیست، بلکه به پشتوانه الهی است. روایات تفویض، تأدیب الهی را پشتوانه تفویض به امام معرفی کرده‌اند که نتیجه آن، وجود اوصافی مانند علم الهی و عصمت، در امام است.

۶. وجود تنها یک امام در هر روزگار: یکی از لوازم بسیار مهم نظریه افتراض الطاعه، التزام به وجود تنها یک امام در هر زمان و نفی وجود هم‌زمان دو امام است. برخی عالمان دین که به گفته علامه مجلسی^۲ اکثر اصحاب امامیه‌اند، بر این باورند که در هر روزگار، تنها یک امام وجود دارد و امامت برای هر فرد، پس از وفات امام قبل حاصل می‌شود.^۳ علامه مجلسی نیز، چنین نظری دارد.^۴

موجه‌ترین دلیل بر این باور که برخی منابع نیز بدان اشارت دارد،^۵ استناد به

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ۲۵ / ۳۴۷-۳۵۰.

۲. همو، مرآة العقول، ۴ / ۲۴۴.

۳. به عنوان نمونه ر.ک: کراچی، محمد بن علی، کنز القوائد، ۲ / ۱۷۴-۱۷۵؛ ابن طاووس، علی بن موسی، طرف من الأنباء و المناقب، ص ۵۹.

۴. مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول، ۵ / ۲۸۲.

۵. همان.

مفهوم دینی امامت است. در واقع پس از روشن شدن مراد از امامت است که می‌توان از لزوم انحصار این مقام در یک نفر یا امکان وجود هم‌زمان آن در شخص دیگر، سخن راند. اگر امامت و افتراض طاعت، به معنای وجوب اطاعت مستقل و مطلق از امام باشد، این معنا مستلزم یگانگی امام در هر روزگار است؛ زیرا اطاعت مطلق از دو نفر، امکان‌پذیر نیست. برخی روایات نیز بر این مطلب تصریح دارد.^۱

۷. تفاوت افتراض طاعت امام با مطاع بودن نبی و رسول: از دیگر تبعات نظریه افتراض الطاعه، متفاوت بودن اطاعت از امام با اطاعت از انبیا و رسل است. تفاوت اطاعت از امام با اطاعت از نبی و رسول، که بر اساس آیه ابتلای حضرت ابراهیم علیه السلام^۲ و روایات مربوط به آن^۳ مسلم است، با استناد به روایات تفویض تفسیر می‌شود. بر اساس این روایات، تصمیمات و دستورات امام مطلق است؛ چراکه او حق اظهار نظر شخصی دارد. این در حالی است که تصمیمات نبی و رسول، مقید به وحی مستقیم الهی است و اطلاق ندارد و آنها از خود، اظهار نظری نمی‌کنند. این مطلب یکی از لوازم مهم نظریه افتراض الطاعه است.

هرچند این ساختار متشکل از اجزای هفت‌گانه، در زمانه شیخ مفید به عنوان نظریه‌ای در تبیین مفهوم امامت وجود نداشته، اما از دانشمند حدیث‌شناسی چون شیخ مفید انتظار می‌رود که دست‌کم ارکان این نظریه را، به دلیل شواهد فراوان روایی، از متون حدیثی شناسایی کرده باشد. یکی از ارکان این نظریه، یکسانی مفهوم امامت با مقام افتراض طاعت است. رکن دیگر آن، تبیین افتراض طاعت به عنوان اطاعت مطلق از امام است. شناسایی این دو رکن و هر یک از دیگر اجزای نظریه افتراض الطاعه در نگاشته‌های شیخ مفید، ضمن ارائه تصویری نوین از اندیشه امامتی وی، بر اعتبار نظریه افتراض الطاعه نیز خواهد افزود و پیشینه تاریخی گران‌سنگی برای این نظریه تدارک خواهد کرد. گرچه بازسازی این نظریه از آثار شیخ مفید، مستلزم تلاشی دشوار و پیچیده است، اما سعی می‌شود با پیش‌فرض قراردادن این امور هفت‌گانه به عنوان تبیین نظریه افتراض الطاعه، از شواهد هریک به طور مجزا، در آثار شیخ مفید جستجو شود.

۱. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ۲/ ۱۰۱.

۲. بقره: ۱۲۴.

۳. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ص ۵۰۹.

۱- دریافت شیخ مفید از مفهوم ثقلینی امامت

از میان اجزای هفت‌گانه نظریه افتراض الطاعه، جستجو از دو رکن آن (یکسانی مفهوم امامت با مقام افتراض طاعت - اختصاص مقام افتراض طاعت به امام) اجتناب‌ناپذیر است، اما از سایر اجزا، به‌خصوص لوازم نظریه نیز تفحص خواهد شد.

۱-۱- شواهد برابری مفهوم امامت و افتراض طاعت در آثار شیخ مفید
انگاره این‌همانی بین مفهوم ثقلینی امامت و افتراض طاعت، در بیانات شیخ مفید شواهد فراوانی دارد. وی به دفعات در اثبات امامت امیرالمؤمنین علیه السلام، به آیات و روایاتی استناد کرده که آنها را دال بر افتراض طاعت دانسته و از طریق اثبات افتراض طاعت، امامت ایشان را ثابت کرده است. این عملکرد به صورت منطقی دلالت بر این دارد که هر امامی مفترض الطاعه، و هر مفترض الطاعه‌ای امام است. به عنوان نمونه، موارد ذیل، شاهد راستی این مدعا است:
الف) ایشان آیه اولی الامر^۱ را از نصوص قرآنی دلالت‌کننده بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام شمرده است. وی مدلول آیه را فرض طاعت اولی الامر بیان کرده، سپس چنین نتیجه می‌گیرد:
از آن‌جا که این آیه، مفید فرض طاعت است، امامت امیرالمؤمنین علیه السلام با آن ثابت می‌شود.^۲

در این استدلال، امامت از طریق اثبات افتراض طاعت اثبات شده است. این مطلب، نشان‌دهنده یکسانی مفهوم امامت و افتراض طاعت از نگاه شیخ مفید است.

ب) از دیگر آیاتی که به عقیده شیخ مفید نص بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام است، آیه ولایت^۳ می‌باشد. وی در مقام اثبات امامت امیرالمؤمنین علیه السلام در بیانی شبیه به استدلال قبل گفته است:

۱. نساء: ۵۹.

۲. مفید، محمد بن محمد، المسائل العکبریة، ص ۴۶؛ همو، الفصول المختارة، ص ۱۱۸.

۳. مائده: ۵۵.



این آیه، ولایت^۱ امیرالمؤمنین علیه السلام را آن گونه که خدا و رسولش صلی الله علیه و آله ولایت دارند، ثابت می کند. از آن جا که ولایت خدا و رسول صلی الله علیه و آله بر خلق، همانا افتراض طاعت است، در نتیجه امامت امیرالمؤمنین علیه السلام ثابت می شود.^۲

در این استدلال نیز با اثبات افتراض طاعت، امامت ثابت شده است.

ج) ایشان هم چنین حدیث غدیر و فراز معروف آن: «من كنت مولاه فعلي علیه السلام مولاه» را از دیگر نصوص امامت امیرالمؤمنین علیه السلام می داند. استدلال وی مبتنی بر این مطلب است که بنا بر این حدیث، رسول خدا صلی الله علیه و آله، ولایت و افتراض طاعتی را که خود بر مردم داشت، برای امیرالمؤمنین علیه السلام ثابت کرد و این گونه امامت او را به اثبات رسانید.^۳ در این مورد نیز امامت، از طریق اثبات افتراض طاعت به اثبات رسیده است.

د) وی هم چنین دلالت حدیث منزلت بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام را این گونه تقریر کرده است:

طبق مفاد این حدیث، رسول خدا صلی الله علیه و آله تمام منازلی را که هارون نسبت به موسی داشت، به جز نبوت، برای امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به خود قرار می دهد. خداوند هارون را مفترض الطاعه و امام پس از موسی -در صورت حیاتش- قرار داده بود؛ از این رو امامت و افتراض طاعت برای امیرالمؤمنین علیه السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله، ثابت می شود.^۴

این که شیخ مفید از میان همه مناصب هارون، به افتراض طاعت او برای اثبات

۱. شیخ مفید با تکیه بر اقوال اهل لغت (رسالة في معنى المولى، ص ۳۷؛ الارشاد، ۷/۱) و استناد به اشعار فصیحان عرب (رسالة في معنى المولى، ص ۱۷-۲۱) و هم چنین تأییدات و استعمالات پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام (اقسام المولى في اللسان، ص ۳۵-۳۹) و نیز اجتهاد لغوی خود (اقسام المولى في اللسان، سرتاسر)، واژه ولایت و مشتقات آن، مانند ولی و مولی را به معنای اولویت و افتراض طاعت و امامت دانسته است.

۲. مفید، محمد بن محمد، المسائل العکبریة، ص ۴۹-۵۰؛ همو، الارشاد، ۷/۱؛ همو، الجمل، ص ۷۵.

۳. همو، الارشاد، ۸/۱؛ همو، رسالة في معنى المولى، ص ۳۹؛ همو، الافصاح، ص ۳۲؛ همو، اقسام المولى في اللسان، ص ۳۱؛ همو، النکت في مقدمات الأصول، ص ۴۵.

۴. همو، الجمل، ص ۷۶. هم چنین ر.ک: همو، الافصاح، ص ۳۳؛ همو، النکت في مقدمات الأصول، ص ۴۷؛ همو، الارشاد، ۸/۱ و ۱۵۶.

امامت امیرالمؤمنین علیه السلام استدلال کرده، دلالتی روشن بر یکسانی امامت و افتراض طاعت از منظر او دارد.

شیخ مفید در این استدلال‌ها، به طور مکرر برای اثبات امامت، از آیات و روایات مبین افتراض طاعت استفاده برده و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام را با انگاره افتراض طاعت او، تبیین کرده است. شواهد فوق، گواهی آشکار بر یکسانی مفهوم ثقلینی امامت و مقام افتراض طاعت در باور او است. بنابراین رکن اول نظریه افتراض الطاعه، برخوردار از ادله روایی روشن در آثار شیخ مفید است.

نکته در خور توجه در شواهد فوق این است که افزون بر آن که استدلال‌های شیخ مفید مستند به آیات و روایات است، چگونگی بیان و استدلال او نیز برگرفته از احادیث است. در کتاب‌های این اندیشمند، روایاتی به چشم می‌خورد که همخوانی فراوانی میان آنها و استدلال‌هایی که او در اثبات امامت امیرالمؤمنین علیه السلام بیان کرده، وجود دارد؛ به عنوان نمونه، وی روایتی نقل کرده که بخشی از آن چنین است:

از ما اطاعت کنید که همانا طاعت ما، مفروض است؛ چراکه به طاعت خداوند و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم مقرون است. خداوند تبارک و تعالی فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۱.

این روایت علاوه بر آن که تمسک به آیه اولی الامر را برای اثبات امامت و افتراض طاعت گوشزد کرده، چگونگی استدلال به آن را نیز در بر دارد و می‌آموزد هرکس در اطاعت، قرین خدا و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم باشد، مفترض الطاعه و امام است. هم‌چنین وی در روایتی دیگر آورده است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همواره به امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمود: ای علی! تو ولی مردم پس از من هستی؛ پس هرکس تو را اطاعت کند، مرا اطاعت کرده و هرکس از تو نافرمانی کند، از من نافرمانی کرده است.^۲

این روایت نیز قرین بودن اطاعت امام و رسول صلی الله علیه و آله و سلم، و نتیجه آن را که ولایت و افتراض طاعت است، گوشزد می‌کند.

۱. نساء: ۵۹.

۲. همو، امالی، ص ۳۴۹.

۳. همان، ص ۱۱۳.



۱-۲- اختصاص مقام افتراض طاعت به امام

مهم‌ترین دلیل اثبات این اختصاص، همان ادله‌ای است که دلالت بر این‌همانی امامت و افتراض طاعت دارد. یکسانی امامت و افتراض طاعت، به صورت منطقی دلالت بر اختصاص افتراض طاعت به امام دارد.

۱-۳- معنای افتراض طاعت از منظر شیخ مفید

دومین رکن نظریه افتراض طاعت، تبیین معنای افتراض طاعت به عنوان اطاعت مطلق از امام است. این مطلب در آثار شیخ مفید، دست‌کم در دو مورد ظهور یافته است:

نخست: شیخ مفید در جایی به استناد آیه ملک عظیم^۱ - که مراد از آن را ملک دین و ریاست در دین بر عالمیان دانسته - در صدد تبیین روایتی از امام صادق علیه السلام برآمده که ایشان هنگام ولادت موسی بن جعفر علیه السلام، به مادر او فرمود: «حمیده! بر تو مبارک باد؛ ملک در خانه تو حلول کرد». شیخ مفید مراد از ملک را در این روایت، امامت بر خلق، و فرض طاعت بر بشر، و ملک امر و نهی دانسته است.^۲ در این کلام، امامت و فرض طاعت به معنای ملک امر و نهی آمده است. یعنی امام و مفترض الطاعه کسی است که مالک امر و نهی باشد. مالکیت امر و نهی، آن‌گاه معنای حقیقی‌اش را می‌یابد که امام شخصاً امر و نهی داشته باشد، نه این‌که صرفاً اوامر مستقیم الهی را واگویه کند که در این صورت، خداوند مالک امر و نهی است. از این رو مالکیت امر و نهی، بیانی دیگر از اطاعت مطلق امام است.

دوم: شیخ مفید مصداق آیه صادقین^۳ را امیرالمؤمنین علیه السلام دانسته و این آیه را یکی از نصوص امامت ایشان معرفی کرده و در تبیین آن گفته است: «فراز ﴿و کونوا مع الصادقین﴾ نص بر فرض طاعت امیرالمؤمنین علیه السلام است».^۴ وی جایی دیگر، در تبیین این آیه اظهار داشته است: «این آیه، امر به تبعیت مطلق از صادقین می‌کند».^۵

۱. نساء: ۵۴.

۲. مفید، محمد بن محمد، الفصول المختارة، ص ۳۱۳-۳۱۴.

۳. توبه: ۱۱۹.

۴. همو، المسائل العکبریة، ص ۴۹-۵۱.

۵. همو، الفصول المختارة، ص ۱۳۸.

از کنارهم قرار دادن این دو عبارت، روشن می‌شود که وی، فرض طاعت و تبعیت مطلق را به یک معنا دانسته است.

بنا بر آنچه بیان شد، هر دو رکن نظریه افتراض الطاعه، شواهدی گویا در آثار شیخ مفید دارد که همگی مستند به آیات و روایات می‌باشد. این مطلب تأییدی بر نظریه افتراض الطاعه است و نشان می‌دهد از منظر شیخ مفید، کسانی که بر اساس متون و حیانی، مفهوم امامت را در قالب نظریه افتراض الطاعه تبیین کرده‌اند، مسیری درستی را پیموده‌اند.

۱-۴- گستره افتراض طاعت در اندیشه شیخ مفید

همان‌گونه که بیان شد، گستره اظهارنظرهای امام در دو حیطه احکام دین و تولی امور مردم، قابل ارزیابی است. مهم‌ترین اختیاری که خداوند در حیطه احکام دین به ائمه علیهم‌السلام داده، تشریح برخی احکام شرعی است. کلامی از شیخ مفید وارد شده که دلالت بر شارع بودن ائمه علیهم‌السلام دارد. وی در رد سخن شخصی عامی مسلک، که در تمسک شیعیان به روایات اهل بیت علیهم‌السلام خرده گرفته بود، بیان داشته:

این که ما در احکام شرعی، به صادق آل محمد، جعفر بن محمد علیهم‌السلام اعتماد می‌کنیم، دین ما است که با آن به خداوند تقریباً تقرب می‌جوئیم و دلیل آن، این است که او امام معصوم است و خداوند به امامت او، نص نموده و همه مردم را به اطاعت او امر کرده است. همچنین او از بزرگان عترت است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بین ما باقی گذاشته و خبر داده که آنها از کتاب خدا جدا نخواهند شد.^۱

در این عبارت دو احتمال می‌رود:

نخست این که اعتماد به قول امام صادق علیه‌السلام در احکام دین، از جهت شارع بودن ایشان باشد. دوم این که اعتماد به قول امام صادق علیه‌السلام، از آن روی باشد که ایشان صرفاً بیان‌کننده احکام از جانب رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.

با لحاظ مناسبات حکم و موضوع، احتمال دوم صحیح به نظر نمی‌رسد. توضیح آن که اگر شیخ مفید می‌خواست اعتماد به حضرت صادق علیه‌السلام را تنها

۱. همو، المسائل الصاغاتیة، ص ۵۳.



از آن روی که ایشان واسطه‌ای در بیان احکام است، ثابت کند، نیازی به یادآوری امامت و عصمت و تأکید بر آن نبود. در اعتماد به قول راویان، اثبات وثاقت کافی است. اما شیخ مفید تأکید فراوانی بر امامت و عصمت و افتراض طاعت و منصوص بودن و جدانشدن امام از قرآن کرده و اعتماد به امام را عین دین دانسته است. این شیوه بیانی، با احتمال نخست تناسب بسیار بیشتری دارد. بنابراین این کلام، ظهوری مبنی بر شارع بودن امام را دارا است و با لحاظ مناسبات حکم و موضوع، دلالت بر این دارد که شیخ مفید، ائمه علیهم‌السلام را شارع احکام می‌دانسته است.

هم‌چنین شیخ مفید دربارهٔ اختیارات امام در تولی امور مردم اظهار داشته که: «ائمه، قائم‌مقام انبیا در تنفیذ احکام، اقامهٔ حدود، حفظ شرایع و تأدیب خلایق‌اند»^۱. وی در این عبارات، به روشنی شئون اجتماعی امام و برخی اختیارات او را نسبت به مردم بیان کرده است.

۱-۵- پستوانه‌های امامت و افتراض طاعت در آثار شیخ مفید

برخورداری سخنان امام از پستوانهٔ الهی، چه در روایاتی که شیخ مفید نقل کرده و چه در اظهارنظرهای او، به چشم می‌خورد؛ به عنوان نمونه، وی روایتی از امام صادق علیه‌السلام بدین مضمون نقل کرده است:

خداوند ولایت و مودت ما را واجب کرده است. به خدا سوگند! ما با هوای نفس سخن نمی‌گوییم و با آرای خود کاری نمی‌کنیم و هیچ چیز، جز سخن پروردگار نمی‌گوییم.^۲

بر اساس این روایت، همهٔ گفتار و کردار ائمه علیهم‌السلام، از جمله اظهارنظرهای شخصی ایشان، بر اساس علم و ارادهٔ الهی است و نه از روی هوا و هوس. شیخ مفید هم‌چنین اظهار داشته که:

امام معهود الیه است و بر آن چه می‌آید و ذکر می‌شود، آگاهی داده شده و برای او علاماتی قرار داده شده که او را به عاقبت تصمیماتش و

۱. همو، اوائل المقالات، ص ۶۵.

۲. همو امالی، ص ۶۰.

این که کدام کار به مصلحت است، راهنمایی می‌کند و این امور از سوی رسول خدا ﷺ برای امام حاصل شده و منبع علم رسول ﷺ نیز وحی است.^۱

وی در این کلام، به صراحت تصمیمات امام را دارای پشتوانهٔ وحیانی و برخاسته از علم الهی دانسته است.

۱-۶- یکتایی امام در هر روزگار

باور به وجود تنها یک امام در هر زمان و نفی وجود هم‌زمان دو امام، به صورت صریح در آثار شیخ مفید بیان شده است. او امامت و افتراض طاعت را در هر زمان، منحصر در یک نفر دانسته و بر همین اساس، امام حسین علیه السلام را از رعایای امام حسن علیه السلام در زمان حیات ایشان دانسته است.^۲ نفی وجود هم‌زمان دو مفترض الطاعه، که مهم‌ترین پیامد نظریهٔ افتراض الطاعه است، تأیید پرارزشی نسبت به این نظریه از سوی شیخ مفید است.

۱-۷- تفاوت افتراض طاعت امام با افتراض طاعت نبی و رسول

در نگاشته‌های شیخ مفید عباراتی یافت می‌شود که نشان می‌دهد بین رسول و دیگر حجت‌های الهی، تفاوت وجود دارد. بدین معنا که رسول دارای شریعت است، اما سایر حجج، شریعت نمی‌آورند، بلکه شریعت رسولان را حفظ می‌کنند.^۳ اما در آثار وی، دربارهٔ تفاوت کارکردی میان امام و دیگر حجج، ایده‌ای به صراحت بیان نشده است.^۴ علی‌رغم این مطلب، با نظرداشتن آن چه پیش از این در تبیین ارکان نظریهٔ

۱. همو، رسالهٔ سوم در غیبت، ص ۱۳.

۲. همو، المسائل العکبریه، ص ۹۸.

۳. همو، اوائل المقالات، ص ۴۵.

۴. شاید به همین دلیل برخی پنداشته‌اند که در اندیشهٔ او، تفاوتی بین امام و نبی نیست (عالمی، محمد، «بررسی تعریف امامت در مدرسهٔ بغداد»، امامت‌پژوهی، ۱۶/ ۱۹). مکدرموت پا را از این فراتر نهاده و هرگونه تفاوت کارکردی میان رسول، نبی و امام در اندیشهٔ شیخ مفید را انکار کرده است (مکدرموت، مارتین، اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۱۱۴). این مطلب با توجه به آن چه دربارهٔ تفاوت رسول با سایر حجج بیان شد، دست‌کم در ارتباط با رسول صادق نیست؛ چراکه رسول شریعت دارد، ولی امام شریعت ندارد.



افتراض الطاعة و انحصار وجود مقام امامت و افتراض طاعت در هر زمان در یک نفر از منظر شیخ مفید گذشت، تردیدی در تفاوت افتراض طاعت امام و مطاع بودن نبی و رسول باقی نمی‌ماند؛ چراکه مطاع بودن نبی و رسول، مانع از وجود هم‌زمان چند نبی و رسول نیست. از این رو این نحوه از اطاعت، قطعاً با فرایند افتراض طاعت که مانع از وجود هم‌زمان دو مقترض الطاعة است، اختلاف اساسی دارد.

آن گونه که از بررسی فوق پدیدار گشت، از میان هفت پاره نظریه افتراض الطاعة، پنج مورد دارای شواهد متقنی در آثار شیخ مفید است. در این میان، وجود شواهدی دال بر دو رکن نظریه افتراض الطاعة و همچنین مهم‌ترین پیامد کلامی این نظریه، از اهمیت بیشتری برخوردار است. این مطلب ضمن تأیید نظریه افتراض الطاعة، بیانگر احاطه و آگاهی شیخ مفید به آیات و روایات امامتی است؛ توقعی که در عین مشغله‌ها و مبارزات فکری او با جماعت عقل‌گرای معتزله، جز از عالمی معتقد به امامت نمی‌رود. تسلط و توجه شیخ مفید به ریشه‌های دینی امامت در مفهوم‌شناسی آن، مستلزم وجود نظام یکپارچه تقلینی - و نه عقلی - در سراسر اندیشه امامتی او است. رویکرد تقلینی در اندیشه امامتی شیخ مفید چنان ریشه دوانده که مکدرموت نیز در بررسی اندیشه‌های امامتی شیخ مفید، علی‌رغم ادعای وام‌گیری فکری شیخ مفید از معتزله در امامت،^۱ به آن اذعان کرده است.^۲

۱. هر چند اتهام تأثیرپذیری امامیان از اندیشه معتزلیان ابعاد گسترده‌تری دارد، اما شاخص‌ترین مصداق آن شیخ مفید است. این اتهام نخستین بار در آثار معتزلیان متعصبی چون ابوالحسن خیاط (الانتصار، ص ۳۶ و ۱۹۱ و ۲۱۴، به نقل از: میرزایی، عباس، «نقش معتزلیان شیعه شده در گرایش کلام امامیه به اعتزال»، جستارهایی در مدرسه کلامی بغداد، ص ۸۷) و ابوالحسن اشعری (مقالات الاسلامیین، ص ۳۵ و ۱۵۶ به نقل از: میرزایی، عباس، «نقش معتزلیان شیعه شده در گرایش کلام امامیه به اعتزال»، جستارهایی در مدرسه کلامی بغداد، ص ۸۷) آمده است. اخیراً این اندیشه مورد توجه برخی مستشرقان مانند ویلفرد مادلونگ (مکتبها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه، ص ۱۵۱) و مارتین مکدرموت (اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۱۷۷) قرار گرفته است. خاستگاه این باور آن‌جا است که از زمان غیبت کبری به تدریج تغییر روشی در ارائه مباحث کلامی از سوی متکلمان امامیه مشاهده شده است. ادعا شده که متکلمان دوره حضور، بر پایه روایات سخن می‌گفتند، اما متکلمان عصر غیبت، بیشتر از روش‌های عقلی بهره می‌بردند (ر.ک: فان اس، جوزیف، علم الکلام و المجتمع فی القرنین الثانی و الثالث للهجرة، ج ۱؛ سامی النشار، علی، نشأه الفكر الفلسفي فی الاسلام، به نقل از: اقوام کرباسی، اکبر، «مدرسه کلامی کوفه»، نقدونظر، ۶۵/ ۳۹-۴۰). باورمندان این اندیشه، اوج این مقایسه را میان شیخ صدوق به عنوان نماینده محدثان امامیه و شیخ مفید به عنوان شاخص عقل‌گرایان امامیه سامان داده (مانند: مادلونگ، ویلفرد، مکتبها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه، ص ۱۶۲) و قائل به وجود دو

۲- بازخورد مفهوم تقلینی امامت در تعریف شیخ مفید از امامت

به استناد یافته‌های بخش قبل، مفهوم قرآنی و روایی امامت در آثار شیخ مفید، نمودی پر حجم دارد. هر چند بر اساس یافته‌های این نگاشته، سخن از بن‌مایه تقلینی اندیشه امامتی شیخ مفید، آسان می‌نماید، اما این گونه نظام امامتی، خود لوازمی دارد. کمترین نتیجه مورد انتظار از ادعای تقلینی بودن اندیشه امامتی شیخ مفید آن است که بازخورد آن، در تعریف امامت - به عنوان مرتبط‌ترین بحث با مفهوم تقلینی امامت - مشاهده شود. برای پی بردن به جایگاه این مفاهیم دینی در تعریف شیخ مفید، لازم است تعریف امامت از نگاه وی بررسی شده و با تحلیل اجزای آن تعریف، رابطه‌اش با مفهوم تقلینی امامت به دست آید.

مدرسه فکری کاملاً مجزا در شیعه شده‌اند. برخی در تحلیل این تغییر موضع، معتزلیان شیعه شده را مؤثر پنداشته‌اند (خیاط، ابوالحسین، الانتصار، ص ۶ و ۱۲۷ و ۱۴۴، به نقل از: مادلونگ، ویلفرد، مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه، ص ۱۵۲ و رضایی، محمدجعفر، «امتداد جریان فکری هشام بن حکم تا شکل‌گیری مدرسه کلامی بغداد»، نقدونظر، ۱۰۶/۶). برخی آن را زاده آشنایی دانشمندان شیعه با تولیدات فکری معتزلیان دانسته‌اند (مادلونگ، ویلفرد، مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه، ص ۱۵۴).

در رد این اتهام و کج‌روی در تحلیل، نگاشته‌هایی ارزشمند به رشته تقریر درآمده است. علامه محمدرضا جعفری^۱ در رد آن، به این مطلب توجه داده که دو مدرسه حدیثی و کلامی امامیه، تنها در روش و برخی جزئیات اختلاف دارند، اما در اصل گرفتن معارف دین از اهل بیت^{علیهم‌السلام} بین ایشان اختلافی نیست. وی همچنین یادآور شده که این دو مدرسه همواره و از دوران حضور ائمه^{علیهم‌السلام} در امامیه وجود داشته‌اند و استفاده از تبیین‌های عقلی امری است که از سوی متکلمان دوره حضور، مانند هشام بن حکم، حتی قبل از به‌وجود آمدن فرقه معتزله، در شیعه سابقه داشته است. به عقیده ایشان، پیگیری سرخ‌های تاریخی، روشن می‌کند که این معتزله بوده‌اند که اندیشه خود را از امامیه گرفته‌اند. وی قرابت فکری معتزلیان بغداد - که هم‌جواری امامیان بوده‌اند - به امامیه، و بُعد فکری معتزلیان بصره - که ارتباطی با امامیه نداشته‌اند - از اندیشه امامیه را شاهی دیگر بر این مدعا می‌داند (مکدموت نیز به نزدیکی آرای معتزله بغداد به شیخ مفید و دوری آرای معتزله بصره از افکار او پی برده است: اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۶۹). ایشان همچنین تأثیر معتزلیان شیعه شده در تغییر روش امامیان را رد می‌کند («الکلام عند الامامیه، نشأته، تطوره و موقع الشیخ المفید منه»، ترائنا، ۳۰-۳۱/۱۴۴). نیز آقای عباس میرزایی نوکابادی، در مقاله‌ای با عنوان «نقش معتزلیان شیعه شده در گرایش کلام امامیه به اعتزال» (جستارهایی در مدرسه کلامی بغداد، ص ۸۶)، تأثیر معتزلیان شیعه شده در وام‌گیری کلام امامیه از معتزله را مورد خدشه قرار داده است. عون حسن علی، استادیار کنونی دانشگاه کلرادو نیز در رساله کارشناسی‌اشد خویش، تأثیرپذیری شیخ مفید از معتزله را نقد نموده است (Hasan Ali, Aun, Imamate Rationalism in the Buyid Era). در این جا لازم است از پژوهشگر فرهیخته، جناب آقای محمدحسین افراخته برای باری نگارنده در معرفی و ترجمه این پایان‌نامه صمیمانه قدردانی کنم.

۲. مکدموت، مارتین، اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۱۷۷.

۲-۱- تعریف شیخ مفید از امامت

برای ارائه تعریف امامت از نگاه شیخ مفید لازم است که مراد از تعریف روشن شود. برخی، عبارت‌هایی را که به گونه‌ای بیانگر مفهوم امامت از منظر شیخ مفید یافته‌اند، به عنوان تعریف امامت به او نسبت داده‌اند.^۱ چنین رویه‌ای راه را بر تحمیل نظرات شخصی بر عقیده دیگران هموار می‌کند. از این رو ضروری است معیار معینی در این باره وجود داشته باشد. به نظر می‌رسد بهترین شاخص آن است که مراد از تعریف امامت را، تعریفی اصطلاحی دانست که در آن، ارکان تعریف یافت شود و نویسنده، در مقام ارائه تعریف و بیان ماهیت امامت باشد. در میان تعاریف منسوب به شیخ مفید، تنها در یک مورد ارکان تعریف اصطلاحی محفوظ، و نویسنده در مقام ارائه تعریف بوده است. از این رو، مباحث این بخش، پیرامون ارزیابی این تعریف ارائه خواهد شد. او در تعریف امامت گفته است:

إن سأل سائل فقال: أخبروني عن الإمامة ما هي في التحقيق على موضوع الدين و اللسان؟ قيل له: هي التقدم فيما يقتضي طاعة صاحبه و الاقتداء به فيما تقدم فيه.

اگر کسی از امامت بپرسد که حقیقت آن در دین و زبان چیست؟ به او گفته می‌شود: امامت عبارت از تقدم در اموری است که اقتضای اطاعت و اقتدا را برای دارنده آن تقدم دارد.^۲

پیش از بررسی اجزای این تعریف، لازم است به این نکته توجه شود که شیخ مفید در این تعریف، با به‌کارگیری «علی موضوع الدین»، به خاستگاه دینی تعریف خود تصریح کرده است.

۲-۲- بررسی اجزای تعریف پیشنهادی شیخ مفید از امامت

در واکاوای این تعریف چنین به دست می‌آید که شیخ مفید از سه پاره اساسی، در ساخت این تعریف استفاده کرده است که عبارت‌اند از: تقدم، امور مقتضی اطاعت، اطاعت از امام.

۱. جمعی از نویسندگان، امامت‌پژوهی، ص ۴۱؛ عالمی، محمد، «بررسی تعریف امامت در مدرسه بغداد»، امامت‌پژوهی، ۱۶/ ۱۴-۱۵.

۲. مفید، محمد بن محمد، الافصاح، ص ۳۷.

۲-۲-۱- تقدم (التقدم)

شیخ مفید امام را کسی دانسته که در امور مقتضی اطاعت، تقدم دارد. بدین معنا که اموری وجود دارد که هر شخصی واجد آن باشد، اطاعتش واجب است و امام کسی است که در این امور، بر دیگران تقدم دارد. یعنی اگر چند شخص به طور هم‌زمان واجد این امور باشند، یکی بر دیگران مقدم است و امامت، تنها به او خواهد رسید.

با مدنظر قراردادن مؤلفه‌های مفهوم دینی امامت در آثار شیخ مفید، به نظر می‌رسد که تقدم، با انگارهٔ یکتایی امام مرتبط است. تقدم شخص در اطاعت، با یکتایی شخص مفترض الطاعه، از نظر مفهومی کاملاً هماهنگ است. سازگاری مفهومی تقدم و یکتایی امام، از دیگر بیانات شیخ مفید نیز قابل استظهار است. وی در پاسخ به این سؤال که امیرالمؤمنین علیه السلام و حسن و حسین علیهم السلام، همه در یک زمان بوده‌اند و نص به امامت همهٔ آنها نیز وجود دارد، آیا اطاعت از همهٔ آنها در آن واحد، واجب است، گفته که:

در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله، اطاعتِ مربوط به مقام امامت، مختص او بوده و پس از وفات ایشان، امامت برای امیرالمؤمنین علیه السلام حاصل شده است و سایر مردم همگی رعیت وی بوده‌اند.^۱

مختص دانستن امامت و افتراض طاعت به رسول الله صلی الله علیه و آله، ظهور در تقدم ایشان در امر امامت دارد و این که اگر چند نفر در ظاهر، واجد شرایط امامت و افتراض طاعت باشند، یکی بر دیگران مقدم است و تنها او مفترض الطاعه است. بنابراین لفظ تقدم در تعریف شیخ مفید، ناظر به انگارهٔ یکتایی امام در هر روزگار است.

۲-۲-۲- امور مقتضی اطاعت (ما یقتضی)

افتراض طاعت امام، برخوردار از پشتوانه‌هایی است که روایات تفویض بر آن تأکید دارند. «امور مقتضی اطاعت» اموری‌اند که امامت و افتراض طاعت، برخاسته از آنها است و درحقیقت پشتوانهٔ امامت می‌باشند. لذا از میان مؤلفه‌های مفهوم دینی امامت، امور مقتضی طاعت به لحاظ مفهومی، با پشتوانه‌های افتراض طاعت ارتباط دارد.

۱. همو، المسائل العکبریة، ص ۹۸.

نکته دیگر در بررسی این قید آن است که امور -لفظ «ما»- در تعریف شیخ مفید اطلاق دارد. درحقیقت وی در صدد بیان این نکته بوده که هر امری که صاحبش را سزاوار اطاعت شدن کند، در امام وجود دارد. با اطلاق این قید، رسول و نبی از تعریف امامت خارج می‌شوند. رسول و نبی واجد همه امور مقتضی اطاعت نیستند؛ چراکه آنها دستورات شخصی ندارند و تنها در حیطة وحی مستقیم الهی مطاع‌اند.

۲-۲-۳- اطاعت و اقتدا به امام

حقیقت امامت و مفهوم ثقلینی آن، افتراض طاعت و اقتدای مطلق به او است. هر تعریف امامت مبتنی بر آموزه‌های ثقلینی، ناگزیر باید متعرض این حقیقت شده باشد. عبارت «طاعة صاحبه و الاقتداء به»، این نقش را در تعریف شیخ مفید ایفا می‌کند. دلیل این برداشت، اطلاق واژه طاعت در این تعریف است. او اطاعت را در تعریف خود، بدون هیچ قیدی به کار برده است و با این کار، متعرض حقیقت افتراض طاعت یا همان وجوب اطاعت مطلق از امام شده است.

۳- ارزیابی تعریف امامت شیخ مفید

در بررسی و تحلیل تعریف امامت شیخ مفید، موارد زیر قابل ارزیابی است: الف) او در تعریف خود، سه مورد از شاخصه‌های هفت‌گانه قابل بررسی در مفهوم ثقلینی امامت را به خدمت گرفته است: یکم، وجود تنها یک امام در هر روزگار؛ دوم، پشتوانه‌های افتراض طاعت، و سوم، مهم‌ترین رکن، حقیقت اطاعت از امام یا همان اطاعت مطلق. بنابراین همان‌گونه که خود نیز به گاه ارائه تعریف تصریح کرده بود، حضور مفاهیم و حیاتی در تعریف وی هویدا است. برخی نیز در ارزیابی این تعریف، به این ویژگی اشاره کرده‌اند.^۱ از این جهت تعریف شیخ مفید از امامت، در زمره تعاریفی قرار می‌گیرد که درون‌مایه قرآنی و روایی دارد.

۱. عالمی، محمد، «بررسی تعریف امامت در مدرسه بغداد»، امامت‌پژوهی، ۱۶/ ۳۸.

ب) بر اساس نگاشته‌های تاریخی موجود، شیخ مفید متقدم‌ترین دانشمند امامی^۱ و بلکه مسلمان^۲ است که تعریفی نظام‌مند از امامت ارائه کرده است.^۳ فارغ از فضیلت فی‌نفسه سابقان در علم و گشایندگان مسیر نوین علمی، گشودن دریچه‌ی ثقلینی به تعریف امامت، حسن و بهای تعریف شیخ مفید را دوچندان کرده است. این اهمیت تاریخی زمانی حقیقت خود را عیان‌تر می‌کند که سیر تعاریف امامت، در تاریخ علم کلام کاویده شود. برخی پژوهشگران که دست به کار ارزیابی تعاریف امامت زده‌اند، این حقیقت تلخ تاریخی را گوشزد کرده‌اند که پس از شیخ مفید، رویکرد توجه به مفاهیم قرآنی و روایی در تعریف امامت، پیگیری نشده است.^۴ عده‌ای دیگر نیز پس از جمع‌آوری مهم‌ترین تعاریف امامت شیعه و سنی، در مرور آنها به این نتیجه توجه داده‌اند که تفاوتی بین شیعه و سنی، در تعریف امامت مشاهده نمی‌شود؛ درحالی‌که شیعه و سنی، اختلافی ریشه‌ای در مفهوم امامت دارند.^۵

همین نگاشته در ادامه روند بررسی تاریخی خود، کلامی از عبدالرزاق لاهیجی را دست‌مایه قرار داده که ایشان اتفاق شیعه و مخالفان آنها در یکسان‌تعریف کردن امامت را از عجایب امور دانسته است.^۶ از این‌رو تعریف امامت شیخ مفید، نه تنها تعریفی برگرفته از متون وحیانی است، بلکه از نادرترین گونه‌های تاریخی آن است. (ج) هرچند پس از کندوکاو دقیق و گسترده در نگاشته‌های شیخ مفید و آگاهی از رهیافت او به مفهوم ثقلینی امامت، کاربرد انگاره‌های وحیانی در تعریف او مسجل شده، اما در بدو امر و بدون توجه به این دریافت ثقلینی، ظاهر آن تعریف، دلالتی

۱. این مطلب از مقاله «بررسی تعریف امامت در مدرسه بغداد» نیز قابل برداشت است (همان). محمدامین انسان نیز در مقاله‌ای با عنوان «امامت در استنادهای قرآنی امام رضا (علیه السلام)»، ضمن بیان تعاریف مهم شیعه در یک سیر تاریخی و قراردادن تعریفی از شیخ مفید در صدر بررسی خود، این انگاره را تقویت نموده است (کتاب و سنت، ۵۵/۱).

۲. برخی در بررسی تاریخی خویش از تعاریف مهم شیعه و سنی در امامت و جمع‌آوری آنها در جدولی سی‌گانه، تعریف شیخ مفید را در ابتدا قرار داده‌اند که بدین جهت، آنان را نیز می‌توان مؤید این مطلب قلمداد نمود (جمعی از نویسندگان، امامت‌پژوهی، ص ۴۱).

۳. این مطلب بدین معنا نیست که حقیقت امامت پیش از این تعریف بر اندیشمندان شیعه پوشیده بوده است. میان علم به مطلبی و بازتاب آن در اثری علمی تفاوت وجود دارد.

۴. عالمی، محمد، «بررسی تعریف امامت در مدرسه بغداد»، امامت‌پژوهی، ۳۸/۱۶.

۵. جمعی از نویسندگان، امامت‌پژوهی، ص ۴۱-۴۴ و ۴۸ و ۵۲.

۶. فیاض لاهیجی، عبدالرزاق، گوهر مراد، ص ۴۶۲.

روشن بر مفاهیم وحیانی ندارد. دلیل چنین امری این است که شیخ مفید از ادبیات خاص وحیانی دال بر آن مفاهیم، و یا واژگانی که رسانایی بیشتری نسبت به مفاهیم وحیانی دارند، استفاده نکرده است. اگر معیار سنجش تعریف امامت، بررسی نسبت آن با آیات و روایات باشد، این جهت نقیصه‌ای در تعریف شیخ مفید خواهد بود؛ امری که در گزاره‌های علمی‌ای که برای اولین بار ارائه می‌شوند، خصوصاً تعاریف علمی، اجتناب‌ناپذیر می‌نماید و چه‌بسا دست‌گشاده شیخ مفید در رهیافت‌های تقلینی به مفهوم امامت، این انتظار و نقیصه را به روی او آورده باشد.

انتظار به‌روزشدن تعریف شیخ مفید و رفع کاستی‌های آن نیز، در ادامه پاسخی درخور نیافته است؛ چراکه اساساً روند تعاریف امامت متخذ از نصوص وحیانی، به دلایل گوناگون، با چالش‌های روبه‌رو بوده و تعاریف امامت، عمدتاً دارای رویکردی عقلانی بوده است.^۱

نتیجه‌گیری

در این نگاشته ابتدا پرونده دریافت شیخ مفید از مفهوم تقلینی امامت، پیش رو قرار گرفت. برای نیل به این مقصود، از نظریه افتراض الطاعه به عنوان الگوی مفهوم تقلینی امامت، استفاده شد. از میان اجزای هفت‌گانه این نظریه، پنج مورد در آثار شیخ مفید رؤیت شد: ۱. یکسانی مفهوم امامت و افتراض طاعت؛ ۲. تبیین مفهوم افتراض طاعت به عنوان اطاعت مطلق از امام؛ ۳. گستره افتراض طاعت در امور دین و مردم؛ ۴. پشتوانه الهی امامت؛ ۵. وجود تنها یک امام در هر زمان. دو مورد اول به عنوان ارکان نظریه افتراض طاعت، و مورد پنجم به مثابه مهم‌ترین نتیجه این نظریه، از اهمیت بیشتری برخوردارند. بازخوانی این پرونده، سه نتیجه اساسی در پی داشت:

۱- مفهوم تقلینی امامت، در اندیشه امامتی شیخ مفید به اتقان رسوخ یافته است. از آن‌جا که مفهوم‌شناسی اساس دیگر پژوهش‌های امامتی است، از این‌رو به محکمی باید حکم کرد که اندیشه امامتی او، یکسره از مفاهیم دینی نسج یافته است.

۱. این مطلب به‌هیچ‌روی به معنای فروکاستن ارزش تلاش‌های خالصانه عالمان راستین شیعی در درازنای تاریخ نیست. آنها با رنج فراوان و در سخت‌ترین شرایط، با همت خود دین را از گزند نامالایمات حفظ نمودند. اتخاذ موضع عقلانی نیز قطعاً به دلیل شرایط خاص زمانه بوده است؛ اما از آن‌جا که این نگاشته در پی دیدگاه تقلینی برای تعریف امامت است، طبیعی است همه نقض و ابرام‌ها بر همان اساس سامان یابد.

۲- وجود همه اجزای اساسی نظریه افتراض الطاعه در نگاشته‌های شیخ مفید، تأییدی است بر نظریه افتراض الطاعه، و نشان می‌دهد کسانی که مفهوم تقلینی امامت را در قالب نظریه افتراض الطاعه ترسیم کرده‌اند، از نگاه شیخ مفید، به بیراهه نرفته‌اند.

۳. سومین نتیجه تقلینی بودن اندیشه امامتی شیخ مفید، توقعی دال بر تأثیر عملی آن در تعریف اصطلاحی امامت بود. با بررسی تعریف وی از امامت، این نتیجه حاصل شد که سه مؤلفه از پارامترهای مفهوم تقلینی امامت، در این تعریف به کار رفته و از این جهت، آن انتظار پاسخ یافته است؛ هرچند از جهت ادبیاتی و به‌کارگیری واژگان و حیانی در این تعریف، انتظارات برآورده نشده است.

فهرست منابع

کتاب‌ها

- ابن طاوس، علی بن موسی، *طرف من النبء و المناقب*، تحقیق قیس عطار، تاسوعا، مشهد، ۱۴۲۰ ق.
- اشعری، ابوالحسن، *مقالات الاسلامیین*، تحقیق هلموت ریتز، دار النشر، بیروت، ۱۴۰۰ ق.
- جمعی از نویسندگان، *امامت پژوهی*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی علیه السلام، مشهد، ۱۳۸۱ ش.
- خیاط، ابوالحسین، *الانتصار*، مكتبة الثقافة الدينية، قاهره.
- سامی النشار، علی، *نشأة الفكر الفلسفي في الاسلام*، دار السلام، قاهره، ۲۰۰۸ م.
- سبحانی، جعفر، *منشور جاوید*، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، ۱۳۸۳ ش.
- شیر، عبدالله، *مصابیح الانوار في حل مشكلات الاخبار*، مؤسسه مطبوعاتی نور، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
- صدوق، محمد بن علی، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تحقیق مهدی لاجوردی، جهان، تهران، ۱۳۷۸ ق.
- _____، *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ ق.
- سفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلی الله علیهم*، تصحیح محسن کوجه‌باغی، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم، ۱۴۰۴ ق.
- فان اس، جوزیف، *علم الکلام و المجتمع في القرنين الثاني و الثالث للهجرة*، ترجمه سالمه صالح، الجمل، بیروت، ۲۰۰۸ م.
- فیاض لاهیجی، عبدالرزاق، *گوهر مراد*، نشر سایه، تهران، ۱۳۸۳ ش.
- کراچکی، محمد بن علی، *کنز الفوائد*، تحقیق عبد الله نعمة، دار الذخائر، قم، ۱۴۱۰ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافي*، تحقیق علی اکبر غفاری و دیگران، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق.
- مادلونگ، ویلفرد، *مکتبها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه*، ترجمه جواد قاسمی، آستان قدس رضوی علیه السلام، مشهد، ۱۳۸۷ ش.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، دار إحياء التراث العربي، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- _____، *مرآة العقول*، تحقیق سیده‌هاشم رسولی محلاتی، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۴ ق.

- مجلسی، محمدتقی، روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، تصحيح حسين موسوی کرمانی و دیگران، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، قم، ۱۴۰۶ ق.
- مفید، محمد بن محمد، اقسام المولى في اللسان، تحقيق مهدی نجف، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- _____ الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- _____ الافصاح في الامامة، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- _____ الامالي، تحقيق حسين استادولى و دیگران، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- _____ الجمل، تحقيق على ميرشريفی، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- _____ الرسالة الثالثة في الغيبة، تحقيق علاء آل جعفر، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- _____ الفصول المختارة، تحقيق على ميرشريفی، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- _____ المسائل الصاغانية، تحقيق سيد محمد قاضي، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- _____ المسائل العکبرية، تحقيق على اكبر الهی خراسانی، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- _____ النکت في مقدمات الأصول، تحقيق سيد محمدرضا حسینی جلالی، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- _____ اوائل المقالات، تحقيق ابراهيم انصاری زنجانی، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- _____ رسالة في معنى المولى، تحقيق مهدی نجف، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- مکدرموت، مارتین، اندیشه های کلامی شیخ مفید، ترجمه احمد آرام، مؤسسه مطالعات اسلامی، تهران، ۱۳۶۳ ش.
- نجازادگان، فتح الله، بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت در دیدگاه فریقین، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۸ ش.
- _____ بررسی تطبیقی معناشناسی امام و مقام امامت از دیدگاه مفسرین فریقین، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۰ ش.
- وحید بهبهانی، محمداقبر، مقدمه منهج المقال في تحقيق احوال الرجال، مؤسسه آل البيت علیه السلام، قم، ۱۴۲۲ ق.

مقالات

- اقوام کرباسی، اکبر، «مدرسه کلامی کوفه»، نقدونظر، شماره ۶۵، بهار ۱۳۹۱.
- انسان، محمدمین و خیاط، علی، «امامت در استنادهای قرآنی امام رضا علیه السلام»، کتاب و سنت، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۲.
- جعفری، محمدرضا، «الکلام عند الامامیه، نشأته، تطوره و موقع الشیخ المفید منه»، تراثنا، شماره ۳۰-۳۱، جمادی الآخرة ۱۴۱۳.
- رضایی، محمدجعفر، «امتداد جریان فکری هشام بن حکم تا شکل گیری مدرسه کلامی بغداد»، نقدونظر، شماره ۶۵، بهار ۱۳۹۱.
- سبحانی، محمدتقی و علیزاده نجار، مرتضی، «امام، مصدر تشریع»، تحقیقات کلامی، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۹۴.
- عالمی، سید محمد، «بررسی تعریف امامت در مدرسه بغداد»، امامت پژوهی، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۹۲.
- فرچپور، علیرضا، «بررسی مفهوم امامت در خطابه غدیر»، امامت پژوهی، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰.
- منتظری، محمد، «امامت از دیدگاه اندیشمندان امامیه در مدرسه کوفه»، امامت پژوهی، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۹۲.
- میرزایی، عباس، «نقش معتزلیان شیعه شده در گرایش کلام امامیه به اعتزال»، جستارهایی در مدرسه کلامی بغداد، علی خنیفرزاده، دار الحدیث، قم، ۱۳۹۵ ش.
- نجازادگان، فتح الله، «بررسی معناشناسی واژه امام در آیه امامت حضرت ابراهیم (بقره: ۱۲۴)»، کتاب قیوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰.

منابع انگلیسی

- Hasan Ali, Aun, *Imamate Rationalism in the Buyid Era*, M.A thesis, Institute of Islamic studie, McGill University, Montreal, February 2007.

